

## "گرایش چپ جنبش کارگری بدنبال گرایش راست"

آیت نیافر

شنبه هفتم دی ۱۳۸۷

ابتدا به بازنگری، احیا و تشکیل تشکل های کارگری در چندسال اخیر می پردازم. اولین سندیکایی که اعلام موجودیت کرد، سندیکای شرکت واحد بود، که در پی فعالیت هیئت موسسان سندیکاها تشکیل گردید.

زمانی که هیئت موسسان سندیکاها شروع به فعالیت کرد، طیف وسیعی از گرایشات مختلف این هیئت را، راست و فرمیسم خواندند و بطرز آن را فرمیست های دو نبش و سه نبش می نامیدند. طیف های دیگر نیز گر چه سکوت کردند اما موافق شرکت در این هیئت نبودند و حتی افراد هم طیف خود را که در آن فعالیت می کردند مورد نقد و انتقاد قرار داده و خواهان کناره گیری آنان از هیئت موسسان سندیکا ها بودند.

اعلام هیئت موسس سندیکای شرکت واحد که در حمایت هیئت موسسان شکل گرفت حضور افراد در هیئت موسسان رو به افزایش نهاد و همزمان یک سری حرکت های کارگران شرکت واحد (روشن کردن چراغها)، افراد شرکت کننده در هیئت موسسان با زهم بیشتر شد تا اینکه سندیکای شرکت واحد مجدداً احیا گردید. مجمع عمومی شرکت واحد نقطه عطف این حرکت بود.

از آن پس، چهره هایی که هیئت موسسان را راست و دونبش و سه نبش و فرمیست و دو خردادی قلمداد می کردند وقت و بی وقت در آنجا حضور داشتند (حسینیه نانوایان واقع در میدان حسن آباد کوچه خیام). افراد فرصت طلب که حس شامه شان قوی بود، با جعبه خرما در ماه رمضان و بعد از آن با جعبه شربینی، آنهم بدون تاخیر و تعطیلی در آنجا حضور دائم داشتند. آنهایی که تا دیروز سندیکا ئیان را دو خردادی و راست های افراطی می خواندند، در شرکت کردن و حضور در آنجا، گوی سبقت را از هم طیفانشان که تا دیروز مورد انتقاد آنان بود را می ربودند. حالا دیگر در آنجا تشخیص گرایش های راست و چپ، چپ رادیکال قابل تشخیص نبود. چرا؟؟!! و همه در تلاش بودند که به نوعی ریسمانشان را به سندیکای شرکت واحد گیر دهند.

بزرگترین حرکت اعتراضی بعد از شرکت واحد اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه بود. در هفت تپه نیز فعالین کارگری به فعالیت پرداختند و بلاخره سندیکای هفت تپه نیز موجودیت یافت. چنانچه در مصاحبه با رادیو برابری یکی از اعضاء سندیکا اعلام کرد که اعضاء و فعالین کمیته هماهنگی و کانون مدافعان حقوق کارگران در مجمع عمومی و انتخابات آنان حضور داشتند. دوستانی که هیئت موسسان سندیکا را در شروع کارش لعن و نفرین می کردند. حال چه اتفاقی افتاده که اینان از استقبال کنندگان و پشتیبانان پر و پا قرص سندیکای هفت تپه شدند؟؟ اینها که در تمام آثار و مکتوباتشان خواهان شوراها و واقعی مستقل از دولت و احزاب بودند چگونه است که شوراها و واقعی را تا حد سندیکا تنزل دادند. چرا؟؟!!

آنچه در بالا ذکر شد فقط یاد آوری سالهایی بود که پشت سر نهادیم ، در جای مناسب به آن خواهیم پرداخت .  
پس از طرح و ایجاد سندیکا و حمایت همه جانبه از آن، طرح اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار نیز تیتتر شد و طولی نکشید که به اتحادیه آزاد کارگری تغییر نام داد. تشکل هایی مانند سندیکا و اتحادیه، حتما بعد از آن نیز نوبت تشکیل فدراسیون، کنفدراسیون و سپس ..... است. تشکل هایی که قبل از احیای سندیکای شرکت واحد، راست و تشکل های زرد و تشکل های بورژوازی قلمداد می شدند.

واقعا چه اتفاقی افتاد که این افراد، دست به تشکیل و تبلیغ این نوع تشکل ها زدند؟! و دیگر یاد و نامی از شوراهای واقعی، مستقل از دولت و کارفرما، فراموش شد و زمان آن را به بعد ها موکول کردند!!؟  
چند سؤال پیش می آید.

آیا تشکیل سندیکا خواست خود کارگران است؟

آیا تشکیل سندیکا و اتحادیه ، پاسخگوی واقعی، تشکل سراسری کارگران است؟

آیا تعریف جدیدی برای سندیکا و اتحادیه ..... جدیداً کشف شده است؟

آیا کارگران از شوراهای واقعی، پس می نشینند؟

آیا فعالین کارگری به این تشخیص رسیده اند که کارگران شوراهای واقعی را پس می زنند؟!

آیا تشکیل سندیکا و اتحادیه، چون فوراً به تائید آی ال او و دیگر اتحادیه های جهانی می رسد، از تشکیل شوراهای واقعی سرباز می زنند؟

شرایط سالهای گذشته که به دوران دوم خرداد معروف شد ، در بخش کارگری نیز سندیکا ها به تیتتر ، تشکل کارگری انجامید.

اساساً ما در جامعه ایران با دولت غیر متعارف سرمایه داری، روبروئیم. و جنبش های اجتماعی طرح شده در آن زمان، رویکردی به شرایط متعارف سرمایه داری که جامعه مدنی روبنای، سیاسی ، اجتماعی است، داشت. گرایش سندیکا لیستی که در جنبش کارگری نیز موجود بود. بر دیگر تشکل ها پیشی گرفت و به الویت تبدیل گردید.  
این گرایش، گرایش غالب جنبش کارگری نبود. زیرا اگر به حرکت های اعتراضی آن سالها مراجعه کنیم، خواست سندیکا در میان مطالبات کارگری دیده نمی شد.

سر آمد این اعتراضات، اعتراضات کارگران مس سرچشمه کرمان، کارگران صنعتی بهشهر در مازندران، کارخانجات نساجی در اصفهان ، کاشان، یزد و تهران به ویژه نساجی (ریسندگی و بافندگی کاشان) و کارگران نساجی چیت ری، و اعتراضات سراسری کارگران پتروشیمی، کارگران کفش ملی و دیگر کارگران جاده مخصوص و جاده ساوه که در غرب تهران، معمولاً به جاده می آمدند و جاده ها را می بستند.

در شرایطی که اعتراضات کارگری، سر آمد اعتراضات اجتماعی میشود. دول سرمایه داری جهانی از طیف دوم خرداد در حاکمیت ایران به دفاع برخاسته بودند، طبعاً به تشکل های متعارف مد نظر خودشان توجه داشتند و از شکل گیری این تشکل ها استقبال کرده و به حمایت از آن بر خاستند. قبل از آنکه تشکل های واقعی کارگری (مانند شوراهای واقعی) پیشی بگیرد و همه گیر شود. تشکل مورد نظرشان را در بوق و کرنا کردند و شرایط نیز به کمک گرایش سندیکالیستی آمد و باعث قوت گرفتن آن شد.

شرایط قوت گرفتن گرایش سندیکایی در میان کارگران چه بود؟

دولت جمهوری اسلامی، علاوه بر اینکه غیر متعارف است، یک دولت کارگزار متعارف سرمایه جهانی نیست، به خوبی توانست از پس جنبش کارگری برآید، شرایط پلیسی سخت در جامعه و در کارخانه‌ها توسط (انجمن اسلامی، بسیج کارخانه، شوراهای اسلامی) و اخراج کارگران قدیمی و سابقه دار، کارگران پیشرو و رهبران عملی را که در سالهای ۵۶ تا ۶۰ را پشت سر گذاشته بودند را به عناوین مختلف از محل کار، خارجشان کردند.

کارخانه ماشین سازی‌ها اولین تسویه را انجام دادند، گروه بنز خاور، ایران خودرو و زامیاد..... و سپس کارگران نفت را با ۱۰ و ۱۵ سال سابقه باز خرید اجباری نمودند.

دولت و سازمان‌هایش تمام تلاششان را بکار بردند تا کارگرانی که تجربه انقلاب را داشتند و پیش از انقلاب تجربه کسب کرده بودند را از نسل جدید، جدا کنند و موفق هم شدند. کارگران نسل جدید، تجربه شوراهای انقلابی و واقعی سالهای انقلاب را ندارند. نسل جدید چشم باز کرده و شوراهای اسلامی را مقابل خود دیده‌اند. شوراهای اسلامی، کارگران حامی حکومت که از فیلتر و گزینش، موفق و پیروز بیرون آمدند، شوراهای اسلامی را تشکیل دادند. شوراهای اسلامی قبل از کارفرما به مقابله با کارگران برخاسته‌اند، کارگران را به پلیس معرفی کردند و ابزار دست کارفرمایان شدند، شوراهای اسلامی اولین اعتصاب شکنان هستند.

در ذهن و تجربه عینی کارگران، شورا بایسوندی سیاسی ایدئولوژیک اسلامی حکومت گره خورده است. کارگران این نسل شاید حاضر نشوند که توضیحی از شوراهای واقعی بشنوند، چرا که آنچنان لطمه دیده‌اند که اساساً به کلمه شورا، شرطی شده‌اند و با آن مخالفت شدید دارند. حضور شوراهای اسلامی، در حقیقت، نماینده ایدئولوژیک سیاسی حکومت است که غالباً مردم و کارگران از آن راضی نیستند.

چنین شرایطی در میان کارگران باعث قوت گرفتن سندیکا شد. همانطور که مردم در مقابل رای گیری، جمهوری اسلامی آری یا نه، تنها گزینه‌ای که به سلطنت شاهنشاهی بگویند، نه، آن را انتخاب کردند.

در انتخاب و گزینش ریاست جمهوری خاتمی نیز این تجربه تکرار شد. مردم به خاتمی آری گفتند، زیرا گزینه دیگری نداشتند. یک سو نماینده راست افراطی حکومت بود و دومی که ظاهراً از آن نماینده راست متفاوت بود. مردم برای نه گفتن به راست افراطی که به نوعی کل حکومت را به نظرشان نمایندگی می‌کرد، گفتند نه.

در میان جنبش کارگری نیز، واقعاً چنین اتفاقی افتاد. کارگران شرکت واحد به سندیکا گفتند، آری، چرا که دیگر نمی‌خواستند شورای اسلامی داشته باشند. شوراهای اسلامی که نماینده ایدئولوژیک حکومت بود. شرایط سیاسی جوامع تحت سلطه، چنین است. مردم همیشه در اوج فشارها، نه فرصت و نه گزینه‌های دیگری را در جلو روی خود ندارند، انتخابات واقعی نیست. شرایط آن نیز شرایط دمکراسی از نوع متعارف سرمایه داری را نیز ندارد. این روبنای سیاسی ضروری جوامع تحت سلطه است که باید تولید فوق سود افسانه‌ای برای سرمایه جهانی داشته باشد.

اما گزینه‌های دیگر در کارگران چیست؟ آیا غیر از گرایش سندیکالیستی، گزینه دیگر و یا گرایش دیگری موجود است؟ باید به صراحت و قوت گفت: بله گرایش حقیقی در میان کارگران، برگزیدن نمایندگان واقعی‌شان است که همانا کارگران پیشرو و رهبران عملی هستند که در حرکت‌های اعتراضی به گونه‌ای شوراهای واقعی کارگران است. در حرکت اعتراضی کارگران کیان تاپیر، نمایندگان حقیقی خودشان را انتخاب کردند، از آنها حمایت کرده و خود را

موظف به پیروی از دستورات آنان می دانند.

شورای واقعی مگر چیست. این شوراها از دل اعتراضات، آگاهی و اطلاعات طبقاتی، در میان مبارزات جاری با توجه به خصوصیات شخصی اشان جلو صف می آیند و توجه دیگر کارگران را جلب می کنند. کارگران در تجمعات خود با فریاد، نامشان را همگی بر زبان می آورند. این نمایندگان برگزیده واقعی کارگران هستند، این کارگران نماینده آگاهانه از صف یاران کارفرمایان و شوراهای اسلامی و دیگر نهاد های حکومتی فاصله می گیرند و خود را متعلق به جنبش اعتراضی کارگران می دانند.

مجامع عمومی به عنوان اس و اساس جنبش کارگری است. در چنین شرایطی که کارگران شوراهای اسلامی را پس می زنند در مجامع عمومی خود علاوه بر اینکه نماینده شورای اسلامی را خوار و شرمسار می کنند مورد باز خواست نیز قرار می دهند و در آنجا از آنها پاسخ می طلبند و آنها را خائن و آدم فروش قلمداد می کنند. مجامع عمومی یا در چهار راه های اصلی کارخانه و یا در سالن های تولید و یا نمازخانه و نهار خوری هابگزار میشود. اراده جمعی بر آن حکمفرما است. برای ایجاد تشکل کارگری اگر به آراء عمومی و تجربه و سابقه مبارزاتی و خواسته آنها توجه داشته باشیم و تشکیل تشکل های کارگری را منوط به خواست واقعی کارگران قرار دهیم. اشکال جدید نیز ممکن است از دل این اعتراضات بیرون بیاید.

مثلا "شورای سراسری نمایندگان کارگران ایران" و یا " تشکیلات کارگری فلان منطقه و یا فلان شهرو استان ممکن است این چنین تشکیلاتی به مذاق گرایشهای دیگر از جمله سندیکالیست خوش نیاید. حتماً از جانب فضای موجود سیاسی تبلیغاتی دول سرمایه داری که رسانه های جهانی را در دست دارند از آن استقبال نکنند و با دسته گل به خوش آمد گویی نیایند و در جهت طرد و منزوی کردن این تشکیلات کارگری بپردازند و یا مشکلات دیگر را حتماً از طرف دولت داخلی و خارجی نیز جلو راه این تشکیلات قرار دهند.

رسانه ها و دلالات قرمز پوش به استقبال نمی آیند. تریبونها را از جلو نمایندگان و سخنگویان حقیقی و واقعی کارگران پس بکشند. اما این شرایط نیز جزء شرایط موجود سرمایه داری است. به جای فرار و یا کنار آمدن با این شرایط باید مقاومت پرداخت.

گزینه هایی را باید پیش روی کارگران گذاشت که در هر شرایطی امکان حفظ نمایندگی کارگران را داشته باشد. این تجربه ای است که در میان تجمعات و اعتراضات کارگری به وضوح دیده میشود. کارگران هر گاه لازم بدانند، رهبرانیشان را پنهان می کنند و هر جا نیاز باشد آنها را به جلو صف می برند.

خوب با توجه به اینکه این گرایش شورایی نیز وجود دارد، اما از سویی دیگر کارگران نمی خواهند که این نمایندگان شان را در غالب شورا ببینند، چرا که تنها تصور کارگران از شوراها، شوراهای اسلامی است. چرا این گرایش تقویت نشد؟ یا تقویت نمی شود؟

کارگرستانی، پرستش کارگران، داشتن نخ ریسمان ارتباط گیری صرف، از غافله تبلیغاتی عقب نماندن، از جا ماندن و چهره شدن ها، به شخصیت های جهانی تبدیل شدن، جو قالب دو خردادی، تمامی اینها دست در دست هم دادند تا گزینه تشکل متعارف نظام سرمایه داری، گرایش سندیکالیستی را در جامعه تقویت بخشد.

ما تجربه از نوع دیگری را هم داریم. سندیکای شرکت واحد، مجموعه داخلی شرکت آن را برگزید. اتحادیه کارگران

اخراجی و بیکار را چه کسانی برگزیدند. موسسین آن چه کسانی هستند؟ مسلماً جو غالب داخل کارخانه را نداشتند. اگر تعریف درست و واقعی از کارگران بیکار داشته باشیم و تغییر شکل دادن و به اتحایه آزاد..... را موسسین آن که فعالین کارگری بودند و هستند، ابتکار عمل را در دست دارند. آنجا چرا شوراهای سراسری لاپوشانی شد. به اعتقاد من، فعالین کارگری به پیروی از شرایط موجود و بدنبال گرایش سندیکایی که مورد پسند و خوش آمد سرمایه متعارف جهانی و تشکل های متبوعش هستند، افتادیم. از مواضع خود عقب نشینی کردیم و میدان را به نفع آن گرایش واگذار نمودیم.

ما از سر ناتوانی خود از شعار خود گذشتیم و تسلیم فضای موجود و اوضاع غالب گردیدیم. پس لطفاً در چراغ راهنما زدن، دقت نمائیم. راهنمای چپ خاموش، راهنمای راست روشن.

زنده باد مجامع عمومی کارگران

### آیت نیافر

یکی از اعضا شورای نمایندگان  
کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

<http://www.komiteyepygiri.com>  
[azaditashakol@yahoo.com](mailto:azaditashakol@yahoo.com)